



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی

عنوان:

تأثیر مداخله مددکاری اجتماعی در حل اختلاف خانواده

(نمونه موردی: کلانتریهای شهر تهران)

استاد راهنما: دکتر حبیب آقابخشی

استاد مشاور: دکتر سید احمد حسینی

دانشجو: فرهاد جلیلیان

شهریور ۹۱

تشکر و قدردانی

نخست سپاس خداوند را سزااست که ما را نعمت وجود بخشید، جان را فکرت آموخت و چراغ دل به نور خود برافروخت، او که همت و توفیق کسب دانش را عطايم کرد و از درگاهش دوام و فزونی این نعمت ها را خواستارم.

انجام این پژوهش بدون همکاری و همدلی اساتید دلسوز و بزرگواری میسر نبود، بنابراین بر خود لازم می دانم از راهنمایی های اساتید بزرگواری و ارجمندم تشکر و قدردانی نمایم.

از جناب آقای دکتر آقابخشی که با راهنمایی سودمندشان مرا در انجام این تحقیق یاری رساندند.

از جناب آقای دکتر حسینی که با راهنمایی ها و انتقادات خود به غنای هر چه بیشتر پایان نامه عنایت نمودند.

از جناب آقای دکتر زاهدی اصل که قبول زحمت نموده و داوری این پایان نامه را بر عهده گرفتند.

چکیده

در سالهای اخیر اختلاف خانوادگی افزایش یافته، اما برای کاهش این اختلاف ها چاره‌ای اندیشیده نشده است. تحقیقات صورت گرفته در این زمینه، شامل چند تحقیق کمی در زمینه عوامل موثر بر اختلاف خانوادگی است؛ که به افزایش آگاهی در زمینه عوامل موثر بر آن منجر می‌شود، اما برای کاهش و یا حل اختلاف خانوادگی قابل استفاده نیست. نظر به اینکه در کلانتریهای شهر تهران واحدهای مددکاری اجتماعی دایر شده است، و در این واحدها به منظور حل اختلاف مراجعین از روش میانجیگری استفاده می‌شود؛ تحقیق حاضر با هدف تعیین تفاوت بین تاثیر مداخله مددکاری اجتماعی بر حل اختلاف خانوادگی مراجعه کنندگان، بر اساس تعداد جلسه‌های شرکت در دوره حل اختلاف پرداخته است. و به این منظور در این تحقیق از تئوری حل اختلاف غیر قضایی به عنوان چهارچوب نظری استفاده شده است. در این نظریه مددکار اجتماعی با استفاده از نقش میانجی، با بکار گیری روشهای میانجی گری، و با مشارکت همسران، به کاهش و در نهایت حل انواع مختلف اختلاف خانوادگی، از جمله: اختلاف ناشی از خشونت خانگی، اعتیاد همسر، دخالت اطرافیان، بی‌توجهی عاطفی-ارتباطی، اشتغال زن می‌پردازد. بنابراین مداخله مددکاری اجتماعی، به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده و تاثیر آن بر روی متغیر وابسته (اختلاف خانوادگی) اندازه گیری و آزمون شده است. روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی و جامعه آماری، همسران مراجعه کننده به واحد مددکاری اجتماعی کلانتریهای شهر تهران است که بر اساس نمونه گیری تصادفی ساده و بر حسب جامعه آماری، تعداد ۱۰۸ نفر از بین جامعه آماری به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. پس از انتخاب نمونه با استفاده از تکنیک پرسشنامه، در دو مرحله، مرحله اول (نوع سنجی اختلاف) و مرحله دوم (سنجش تاثیر مداخله مددکاری اجتماعی بر اساس تعداد جلسه‌های مشارکت همسران) پس از یک دوره یک ماهه حل اختلاف، اطلاعات نمونه جمع آوری و نهایتاً با استفاده از آماره‌های میانگین، نما، مد نمونه مورد مطالعه و نوع اختلاف آن توصیف شده و سپس با استفاده از آماره‌های استنباطی از جمله U مان ویتنی و Z داده‌های بدست آمده مورد تحلیل قرار گرفته است. بر اساس نتایج بدست آمده، مشخص شد که مداخله مددکاری اجتماعی، بر اساس تعداد جلسه‌های مشارکت مراجعه کنندگان در دوره حل اختلاف، بر سه نوع اختلاف خشونت خانگی، اعتیاد همسر و دخالت اطرافیان تاثیرگذار بوده و موجب کاهش آنها شده است، اما بر اختلاف ناشی از بی‌توجهی عاطفی-ارتباطی و اشتغال زن تاثیری نداشته و به کاهش آنها منجر نشده است.

فهرست

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۱	۱-مقدمه
۲	۲-طرح مسله
۴	۳-ضرورت و اهمیت
۵	۴-هدف
۶	فصل دوم: ادبیات نظری
۷	۱-مقدمه
۷	۲-تاریخچه مفهوم
۸	۳-پیشینه‌ی تحقیق
۱۲	۴-مبانی نظری
۱۲	۵- شباهت‌ها و تفاوت‌های نهادهای قضایی و رویکرد مددکاری اجتماعی
۱۴	۶-دیدگاه حل اختلاف غیر قضایی
۱۶	۷-روش‌های حل اختلاف غیرقضایی
۱۶	۷-۱-روش داوری
۱۷	۷-۲-مصالحه

۱۷	۷-۳- تسهیل‌گری
۱۷	۷-۴- مذاکره
۱۸	۷-۵- میانجی‌گری
۱۸	۷-۶- سازش و توافق
۱۹	۸- مقایسه داوری و میانجی‌گری
۱۹	۱۰- اصول اساسی در کاربرد میانجی‌گری توسط مددکاران اجتماعی
۲۰	۱۱- مدیریت اختلاف و راهکارهای حل آن
۲۱	۱۱-۱- پیوستار مدیریت اختلاف و رهیافت حل آن
۲۲	۱۱-۲- پیوستار حل اختلاف
۲۳	۱۱-۳- سطوح مداخله برای طرح اختلاف
۲۵	۱۲- حل اختلاف جایگزین
۲۷	۱۳- مداخله در بحران
۲۷	۱۴- مهارت‌های مددکاران اجتماعی هنگام بروز فقدان و بحران
۲۸	۱۵- شرایط نگران‌کننده
۲۸	۱۶- بحران‌های خانوادگی
۲۹	۱۷- تعریف اصطلاحات
۲۹	۱۷-۱- استرس
۲۹	۱۷-۲- بحران

۳۱	۱۷-۳-حمایت
۳۳	۱۷-۴-امید و ناامیدی
۳۴	۱۸-راهبردهایی برای کمک در مواقع بحرانی
۳۵	۱۹-مراحل مداخله در بحران
۳۶	۲۰-روش حمایت از نوع برخورد چندگانه
۳۷	۲۱-ایجاد امیدواری و حفظ آن
۳۹	۲۲-راهبرد رشد و بازسازی
۴۰	۲۳-راهبرد مشاوره درمانی
۴۱	۲۴-راهبرد دلداری و تسلی دادن
۴۲	۲۵-مهارتهای لازم برای حمایت مددجو و کنترل بحران
۴۳	۲۷-مهارتهای تماس
۴۴	۲۸-مهارتهای اطمینان بخشی
۴۵	۲۹-مهارتهای ایجاد آرامش
۴۶	۳۰-مهارتهای ایجاد تمرکز
۴۹	۳۱-توسعه راه حلها
۵۰	۳۲-مهارتهای ارجاع
۵۱	۳۳-دیدگاه مداخله در بحران ورونیکا کالشد-جون اورم
۵۱	۳۴-تکنیکهای مداخله در بحران

۵۴	۳۵-چارچوب تشخیص برای مداخله در بحران
۵۶	۳۶-چهارچوب نظری تحقیق
۵۹	۳۹-سوالهای تحقیق
۵۹	۴۰-فرضیه‌های تحقیق
۶۰	۴۱-مدل نظری تحقیق
۶۱	فصل سوم:روش شناسی
۶۲	۱-طرح تحقیق
۶۲	۲-جامعه آماری
۶۳	۳-روش نمونه گیری و اندازه نمونه
۶۳	۴-واحد تحلیل
۶۴	۵-ابزار جمع آوری داده ها
۶۴	۶-پایایی یا قابلیت اعتماد
۶۷	۷-اعتبار یا روایی
۶۷	۸-روش پردازش داده ها
۶۸	۹-تعریف نظری و عملیاتی متغیرها و تعیین سطح اندازه گیری آنها
۶۸	۱۰-متغیر وابسته
۶۸	۱۱-اختلاف خانوادگی
۶۹	۱۲-تعریف انواع اختلاف

۷۰	۱۲-۱-خشونت خانگی
۷۵	۱۲-۲-اعتیاد همسر
۷۵	۱۲-۳-دخالت اطرافیان
۷۶	۱۲-۴-بی توجهی عاطفی-ارتباطی
۷۶	۱۲-۵-اشتغال زن
۷۷	۱۳-متغیر مستقل
۷۷	۱۴-مداخله مددکاری اجتماعی
۷۸	فصل چهارم:تحلیل داده‌ها
۷۹	۱-مقدمه
۷۹	۲- بخش اول:توصیف جمعیت نمونه
۱۰۸	۳-آزمون فرضیه‌ها
۱۰۹	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۱۱۰	۱-مقدمه
۱۱۰	۲-یافته های توصیفی
۱۱۱	۳-یافته های تبیینی
۱۱۴	۴-نتیجه گیری
۱۱۵	۵-محدودیت‌های پژوهش
۱۱۶	۶-پیشنهادها

۱۱۶	۷-پیشنهاد‌های پژوهشی
۱۱۷	۸-پیشنهاد‌های اجرایی
۱۱۸	۹-منابع و ماخذ
۱۱۸	۱۰-منابع داخلی
۱۱۹	۱۱-منابع خارجی
۱۲۰	۱۲-منابع اینترنتی
۱۲۱	۱۳-ضمائم

فهرست جداول و نمودارها

صفحه	عنوان
۷۸	جدول شماره ۱-۴
۷۹	نمودار شماره ۱-۴
۷۹	جدول شماره ۲-۴
۸۰	نمودار شماره ۲-۴
۸۱	جدول و نمودار شماره ۳-۴
۸۲	جدول و نمودار شماره ۴-۴
۸۳	جدول و نمودار شماره ۵-۴
۸۴	جدول و نمودار شماره ۶-۴
۸۵	جدول شماره ۷-۴
۸۶	جدول شماره ۸-۴
۸۷	جدولهای شماره ۹-۴ و ۱۰-۴
۸۸	جدولهای شماره ۱۱-۴ و ۱۲-۴
۸۹	جدولهای شماره ۱۳-۴ و ۱۴-۴
۹۰	جدولهای شماره ۱۵-۴ و ۱۶-۴
۹۱	جدولهای شماره ۱۷-۴ و ۱۸-۴
۹۲	جدول شماره ۱۹-۴

۹۳	جدول شماره ۲۰-۴
۹۴	جدولهای شماره ۲۱-۴ و ۲۲-۴
۹۵	جدول شماره ۲۳-۴
۹۶	جدول شماره ۲۴-۴
۹۷	جدول شماره ۲۵-۴
۹۸	جدول شماره ۲۶-۴
۹۹	جدول شماره ۲۷-۴
۱۰۰	جدول شماره ۲۸-۴
۱۰۱	جدول شماره ۲۹-۴
۱۰۲	جدول شماره ۳۰-۴
۱۰۳	جدول شماره ۳۱-۴
۱۰۴	جدول شماره ۳-۴
۱۰۵	جدول شماره ۳۳-۴
۱۰۶	جدول شماره ۳۴-۴
۱۰۷	جدول شماره ۳۵-۴
۱۰۸	جدول شماره ۳۶-۴
۱۰۹	جدول شماره ۳۷-۴
۱۱۰	جدول شماره ۳۸-۴

فصل اول

کلیات

مقدمه:

انسان از زمانی که پا به عرصه وجود می نهد، تنها جایی که برایش مکان امن به شمار می رود تا در آن به رشد و پرورش خود ادامه دهد، محیط خانواده است. علاوه بر تامین نیازهای مادی و فراهم نمودن شرایط رشد فیزیکی انسان، محیطی است که آدمی را قادر می سازد تا در آن به رشد و تعالی معنوی و روحی خود نیز بپردازد. از منظر جامعه شناسی و تاریخ، خانواده نخستین نهاد بشری و ابتدای ترین و کوچک ترین جامعه است (محسنی، ۱۳۷۱: ۱۸) خانواده به عنوان اولین آموزشگاه انسانی مهم ترین نقش را در چگونگی شکل گیری شخصیت روانی، اجتماعی و فرهنگی فرزندان ایفا می کند. (موسوی، ۱۳۸۲: ۲۷) محیط خانواده بهترین و مناسب ترین محیطی است که کودک در آنجا ارزش ها و هنجارهای رایج را که باید در جامعه از آن ها تبعیت کند، فرا می گیرد. ورود فرزندان به سطح جامعه، چه برای آموزش و چه در سنین بالاتر برای انجام فعالیت های مختلف اجتماعی، به دنبال خود، این تاثیرات را به جامعه انتقال می دهد. (ستیر، ۱۳۸۲: ۲۰۴) در نتیجه خانواده های سالم در جامعه نقش مهمی خواهند داشت. زیرا خانواده نیز از جامعه و دیگر نهادهای اجتماعی تاثیر می پذیرد. (هولاب، ۱۳۷۸: ۷۸)

خانواده سالم نظامی باز است که اعضای آن در عین حالی که از روابط عاطفی گرمی با هم برخوردارند، هویت فردی خود را حفظ می کنند. در این گونه خانواده، عشق به طور نامشروط دیده می شود و اعضا پذیرای یکدیگر هستند. آستانه تحمل خانواده در برابر کشمکش و استرس بالا است و به هنگام نیاز، داوطلبانه به یاری هم می شتابند. در این خانواده همبستگی قوی و روشنی بین والدین وجود دارد و این قدرت بین والدین تقسیم می شود اعضا خانواده با هم نزدیک و صمیمی هستند. با این حال حریم شخصی افراد حفظ می شود و استقلال و فردیت افراد مورد احترام است.

در مقابل خانواده مختل خانواده ای است که قادر به تامین نیازهای تکاملی اعضا، حل مشکلات و تعارضات خود نیست. کارکرد او مختل و مرزهای بین اعضا نامشخص است، اعضا استقلال رأی ندارند از این رو حمایت و همکاری رخ نمی دهد. نظام خانواده و اعضای آن به لحاظ عاطفی سرد، جدا از هم و گسسته اند.

تمدن جدید که در پرتو تلاش های بشری و دستاوردهای علوم تجربی حاصل شد، چهره انسانی را تغییر داد. دستاوردهای مدنی و صنعتی و همچنین رنجهایی که غالباً آنها از مدنیت جدید و مدرنیسم نشأت می گیرد، هر روز بر شمار بیماری های روانی و ناهنجاری های رفتاری افزوده می شود و متأسفانه در همین مسیر قویترین پیوندهای انسانی را در مستحکم ترین قرارگاه آن یعنی نظام ریشه دار خانواده در معرض تهدیدی جدی قرار می دهد. روز به روز کارایی خانواده در تحقق وظایفش کم رنگ تر می شود و این سلامت جامعه را تهدید می کند زیرا اختلال در کارایی خانواده مشکلاتی را در منظومه خانواده ایجاد می کند و در

صورت تشدید مشکلات، خانواده را به سمت فروپاشی سوق می‌دهد طلاق و فروپاشی خانواده ضمن برهم زدن تعادل روانی-عاطفی افراد خانواده و جامعه منجر به بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی می‌شود. اختلاف‌های خانوادگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. به همین دلیل این پژوهش بنا دارد با نوعی رویکرد مداخله‌ای مددکاری اجتماعی با عنوان میانجی‌گری به مداخله در زمینه اختلاف‌های خانوادگی بپردازد، که به نحوی در رفع این مشکل نقشی تعیین‌کننده ایفا نماید.

طرح مسئله:

بر مبنای نظریه کارکردگرایی ساختاری، هر جامعه‌ای از تعدادی از نهادها تشکیل شده است. که این نهادها دارای کارکردها و وظایفی هستند. مثلا نهاد آموزشی کارکرد پرورش نیروی متخصص را بر عهده دارد. در جوامع غربی نهاد خانواده کارکرد جامعه‌پذیری کودکان تا پیش از سن ۱۸ سالگی را بر عهده دارد. در شرایطی که نهادهای مختلف کارکرد خود را به درستی انجام می‌دهند، نهاد خانواده تنها این کارکرد را بر عهده دارد. اما در ایران به سبب اختلال در انجام کارکرد نهادهای گوناگون، مانند نهاد تامین اجتماعی، نهاد اقتصادی، نهاد آموزش و پرورش، نهاد خانواده دارای کارکردهای مختلفی همچون کارکرد آموزشی، اقتصادی، تامین اجتماعی، است. در چنین شرایطی خانواده در ایران هم دارای پایداری بیشتر، نسبت به جوامع غربی است و هم بروز اختلاف در آن اثرات مخرب بیشتری بر اعضایش دارد، و براساس آمارهای چشمگیر افزایش طلاق (مثلا آمار طلاق در سال ۱۳۸۸، ۱۲۵۷۴۷) مورد بوده، در حالیکه در سال ۱۳۸۹، ۱۳۷۲۰۰) مورد گزارش شده است که نسبت به سال ۱۳۸۸، ۹،۱) افزایش دارد. (www.sabtahval.com) که موجب می‌شود افراد در معرض فشار و اختلالات روانی بیشتری باشند. و افزایش اختلاف‌های خانوادگی (حدود ۴۸.۷ درصد مراجعان به واحدهای مددکاری اجتماعی دوایر کلانتری در نیمه دوم ۱۳۸۹) (اطلس شناسی آسیب‌های اجتماعی-واحد مشاوره و مددکاری ناجا ۱۳۸۹)؛ بنابراین امروزه میزان زیادی از ناهنجاری روان شناختی، جامعه‌شناختی و بهداشت روانی ناشی از ارتباط‌های مختل، تعارض‌ها، کشمکش‌های درون خانوادگی و ناتوانی در حل مسایل زندگی است. (خمسه ۱۳۸۳: ۱۰) از آنجا که همه نهادهای اجتماعی با هم کنش متقابل دارند بنابراین خانواده نیز به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی از این قاعده مستثنی نیست بلکه تاثیر همه جانبه بر سایر نهادها دارد. اگر در اجتماع نابسامان امروزی (جامعه در حال گذار ایران) خانواده‌ها دچار مشکلات گردند، معضلات اجتماعی از قبیل طلاق (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۴۷)، بزهکاری کودکان (گسن ۱۳۷۴، ۱۸۵۰)، خودکشی (ستوده ۱۳۸۳: ۲۴۰)، را در پی خواهد داشت. این نهاد اجتماعی در همبستگی و گسستگی اجتماعی افراد تاثیر بسزایی دارد. در جریان ازدواج و یک ارتباط طولانی و دراز مدت، رفتارهای خاصی بین مردان و زنان به وجود می‌آید که آن‌ها را نسبت به یکدیگر بیگانه می‌سازد، بحث‌ها، مشاجره‌ها، بیان آشکار خشم نسبت به دیگری، انتقاد بیش از

حد و طرد عاطفی از جمله این موارد است. یک زندگی زناشویی باثبات هنگامی به وجود می آید که زوج-ها بتوانند تعارضات اجتناب ناپذیر بر روابط شان را حل کنند (گاتمن، ۱۳۷۷: ۳۲). مطالعات لیندس^۱ نشان داده است که جوان دارای مسائل شخصی و ناسازگار، بیشتر در خانواده‌های دارای اختلاف خانوادگی مشاهده می‌شوند تا خانواده‌هایی که به علت مرگ یا طلاق گسیخته شده‌اند. عدم تفاهم بین زن و مرد و وجود اختلاف در زندگی بسیار زیاد است. بعضی‌ها ممکن است تصور کنند، وجود اختلاف خاص خانواده آنان است و در خانواده‌های دیگران اختلاف و بگو مگویی وجود ندارد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که وجود اختلاف مخصوص بعضی از خانواده‌ها نیست، بلکه در همه خانواده‌ها سطحی از اختلاف وجود دارد. (پناهی، ۱۳۸۰: ۷۹) به عبارت دیگر ماهیت سازمان خانواده، مانند سایر سازمان‌های اجتماعی طوری است که نمی‌تواند قدری از اختلاف در آن نباشد و اختلاف محصول الزام آور زندگی مشترک است.

در خانواده‌های پر تنش اگر والدین به ناچار زنده ماندن در کنار یکدیگر را برگزینند فرزندان افسرده و دل مرده تربیت می‌شوند که هیچ انگیزه‌ای برای تلاش و تکاپو نداشته و زمین و زمان را در ایجاد مشکل خود مقصر می‌دانند. افراد جامعه ستیز و یا منزوی که در هیچ یک از این حالات نیروی مفیدی برای جامعه نخواهند بود در جامعه ای که آمار طلاق هر روز در حال افزایش است، بالا رفتن آمار بزهکاری، اعتیاد و ... اجتناب ناپذیر خواهد بود و باید دانست که همواره طلاق روانی آثاری به مراتب زیان بارتر از طلاق جسمانی بر جای می‌گذارد. در واقع خانواده‌های پر ستیزه و همراه با مشاجره دائمی ممکن است بیش از خانواده‌های از هم گسیخته در به وجود آوردن جرم و ناسازگاری جوانان موثر باشد. به عبارتی عدم موفقیت اجرای نقش در خانواده بر فرزندان تاثیر نامناسب تری دارد تا فقدان کامل یکی از دو عنصر اصلی خانواده. (آقابخشی، ۱۳۷۸: ۱۲۹). بنابراین در ایران نیز همچون بسیاری از جوامع دیگر، سازمان‌های گوناگونی به منظور حل اختلاف غیرقضایی تشکیل گردیده و معاونت اجتماعی نیروی انتظامی نیز با بکارگیری روان شناسان، مشاوران، مددکاران اجتماعی و خانواده درمانگران سعی در حل اختلاف طرفین درگیر، نموده است تا باشیوه‌های نوین و مبتنی بر نظریه‌های رایج علمی، به حل اختلاف طرفین، با مشارکت و تصمیم‌گیری خود آنان بپردازد. در نظریه حل اختلاف غیردادگاهی، مددکار اجتماعی مسول برقراری یک روند مذاکره اصولی و کنترل آن است. در این روش، بر مشارکت و همکاری طرف‌های درگیر و مذاکره بین آنها تاکید می‌شود و نکته برجسته در این شیوه، این است که «قادر سازی» به عنوان اساس میانجی‌گری در نظر گرفته می‌شود. به عبارتی با تاکید بر تصمیم‌گیری هریک از طرف‌های اختلاف، آنها را صاحب اقتدار می‌سازد و با توانمند ساختن آنان در تصمیم‌گیری، هریک را مسول نتیجه کار می‌سازد. در این فرایند، مددکار اجتماعی، واجد دو ویژگی «منصف بودن» و «بی طرف بودن» است بدین معنی که نه برای آینده هیچ یک از طرفین پیش داوری می‌کند و نه برای نتیجه خاصی علاقه‌مندی نشان می‌دهد، مفهوم «منصف بودن» در

¹.Lindes

رابطه با فرایند کار و «بی طرفی» در رابطه با نتیجه کار است. مهمترین بخش، از نقش مددکار اجتماعی، آماده ساختن آنان برای مذاکره و تشریح فرایند کار است. او می تواند در تصمیم گیری ها، راهنمایی کند اما تصمیم نمی گیرد، در عوض، طرفین را مصمم می سازد تا وارد یک توافق دوسویه و داوطلبانه شوند. و با توجه به آنچه گذشت، تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی است که آیا مداخله های مددکاری اجتماعی دوایر کلانتری به حل اختلاف های خانوادگی مراجعان منجر می شود؟

ضرورت و اهمیت موضوع:

یکی از عوامل موثر در نوع رفتار فرد، خانواده است. محیط خانواده اولین و بادوام ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تاثیر می گذارد (مهبادی راد، ۱۳۷۲: ۸۶). خانواده یکی از بنیادی ترین نهادهای اجتماعی است که در طول تاریخ بر اثر عوامل گوناگون دستخوش تغییر شده است. همان طور که سلامت جامعه در گرو سلامت خانواده است در واقع ریشه و اساس بسیاری از کجرفتاریها و انحرافات اجتماعی درون این نظام جای دارد. با وجود خانواده های ناسالم نباید انتظار جامعه سالم داشته باشیم. خانواده از هم پاشیده، زندگی در محیط های تنش آلود نظیر خانواده هایی که پدر و مادر با یکدیگر اختلاف دارند اساس کجرفتاریها را در کودکی پایه گذاری می کند. تعارض، ناسازگاری، مشاجره پدر و مادر آن چنان آثار شوم و زیان بخشی در روان طفل باقی می گذارد که با تاثیر مخرب خود سعادت جامعه را به هم می زند. در بخش تحقیقات اجتماعی و پژوهش های خانواده بیشترین تحقیق در مورد خانواده، مربوط به ازدواج، همسرگزینی و از هم گسیختگی خانواده، (۶۵ درصد) صورت گرفته است. آمار مراکز مشاوره و دوایر کلانتری نیز نشان دهنده این است که بیشترین درصد مراجعین به واحدهای مشاوره و مددکاری اجتماعی کلانتری در زمینه اختلاف خانوادگی است (اطلس آسیبهای روانی - اجتماعی مراجعان به مراکز مشاوره و دفاتر مددکاری اجتماعی کلانتریها).

از طرفی برای طبقه بندی انحرافات از شیوه های گوناگون می توان بهره گرفت و یکی از این طبقه بندیها مبتنی بر میزان شیوع انحرافات در جامعه است. بر اساس این طبقه بندی، شایع ترین کجرویها، مهمترین آنها در جامعه به حساب می آید. منطقی که بر این نوع طبقه بندی حاکم است شدت انحرافات را اساس اهمیت آن می داند. اما شایع ترین انحرافات، حتی اگر کم اهمیت و جزئی نیز باشد، بیشترین امکانات جامعه را می طلبد و نیروی انسانی فراوانی برای از میان بردن یا کنترل آن صرف می شود و بیشترین نگرانی را به دلیل شیوع آن در بین افراد جامعه ایجاد می کند، از این رو مهم ترین انحراف محسوب می شود بر اساس آمارهایی که ذکر آن گذشت اختلاف خانوادگی و مسایل زناشویی شایع ترین و بنابراین مهم ترین انحرافات محسوب می شود بنابراین ضرورت پرداختن به چنین موضوعی بیش از پیش احساس می شود. از آنجا که نسبت خانواده به جامعه، نسبت خشت اول بنا به کل آن و نسبت چند سال نخست زندگی به

شخصیت بزرگسالی است و با وجود خانواده های ناسالم، نباید انتظار جامعه ای سالم را داشته باشیم. همین امر ضرورت و اهمیت پرداختن به مسایل خانواده را خاطر نشان می کند. اهمیت مساله، وقتی بیشتر آشکار می شود که به یک نکته دیگر نیز توجه کنیم و آن این است که انسان همیشه در خانواده زندگی می کند به عبارت دیگر هیچ مرحله رشدی در زندگی نداریم که یک فرد در آن، بی نیاز از خانواده باشد. هر فردی در مراحل مختلف زندگی خود به ترتیب زمانی، نوزاد، کودک، نوجوان و جوان خانواده ای است که در آن به دنیا می آید و بلافاصله در مراحل بعدی پدر یا مادر و پدر بزرگ یا مادر بزرگ خانواده ای دیگر می شود، بنابراین ریشه های سوء تربیت فرزندان را باید در رفتار و گفتار حاکم در خانواده ها جستجو کرد. رفتار لجوجانه پدر و مادر و ناسازگاری آنان با یکدیگر و هر گونه پر خاشگری اثر سوء بر سلامت روانی و اجتماعی فرزندان بر جای می گذارد. اختلافات زناشویی و کشمکش های خانوادگی نه تنها اساس خانواده را تهدید می کند بلکه تهدیدی جدی برای جامعه و نظام اجتماعی است. آسیب های اجتماعی زیادی از جمله: اعتیاد، جرم، بزهکاری، و سایر رفتارهای انحرافی می تواند در اثر بروز پدیده طلاق و اختلاف خانوادگی به وجود آید. بنابراین با توجه به اهمیت خانواده و تاکید بر ضرورت حفظ بقای آن با توجه به اینکه مسئله اختلافات خانوادگی تبدیل به یک مسئله اجتماعی شده است، ضرورت توجه ویژه مداخله های مددکاری اجتماعی در حل اختلافات خانوادگی بسیار پر اهمیت است.

هدف های پژوهش

هدف اصلی:

۱- شناخت تاثیر مداخله های مددکاری اجتماعی در حل اختلاف خانوادگی.

هدف های اختصاصی:

- ۱- تعیین تاثیر مداخله های مددکاری اجتماعی در کاهش خشونت خانگی.
- ۲- تعیین تاثیر مداخله های مددکاری اجتماعی در حل اختلاف ناشی از اعتیاد همسر.
- ۳- تعیین تاثیر مداخله های مددکاری اجتماعی در حل اختلاف ناشی از مسئله مهریه و نفقه.
- ۴- تعیین تاثیر مداخله های مددکاری اجتماعی در حل اختلاف ناشی دخالت اطرافیان همسران.
- ۵- تعیین تاثیر مداخله های مددکاری اجتماعی در افزایش احساس مسولیت همسران.
- ۶- تعیین تاثیر مداخله های مددکاری اجتماعی صمیمانه شدن روابط همسران.
- ۷- تعیین تاثیر مداخله های مددکاری اجتماعی در رعایت حقوق دیگران در خانواده.

هدف کاربردی:

ارائه و اجرای راهکارهای مداخله ای موثر در جهت حل اختلاف، ایجاد تفاهم و در نهایت افزایش عملکرد خانواده

فصل دوم

ادبیات نظری

مقدمه

در این فصل ابتدا به تاریخچه مفهوم در داخل و خارج پرداخته، اما چنانچه می‌دانیم تحقیقات جنبه انباشته-ای دارند از همین رو هیچ محقق پژوهش خود را از ابتدا و بدون در نظر گرفتن تحقیقات صورت گرفته آغاز نمی‌کند چرا که این کار به غایت، بیهوده می‌نماید؛ اما در تحقیق حاضر به علت موجود نبودن کارهای انجام شده در زمینه حل اختلاف غیرقضایی، فقط به چند تحقیق مشابه اشاره کرده، سپس به مبانی نظری و چهارچوب نظری تحقیق می‌پردازیم و در نهایت سوالها و فرضیه‌های تحقیق را مطرح می‌شوند.

تاریخچه موضوع در جهان

اختلاف در بیشتر عصرهای گذشته و کنونی، برای انسان امری طبیعی بوده و معمولاً در همه نظامها شایع بوده است. منشأ حل اختلاف در تحقیق‌های آشتی و جنبش‌های عدم خشونت است. با در نظر نگرفتن ترتیب زمانی، مطالعه در حوزه اختلاف به جنگ جهانی اول برمی‌گردد. گروهی از دانشمندان و متخصصان در جهت جلوگیری از رویدادن مجدد جنگ جهانی و اختلاف شدید تلاشهایی انجام دادند. دانشمندان از رشته‌های گوناگون شروع به استفاده از روشهای علمی به منظور بررسی عوامل و فرایندهای اختلاف کردند و در جهت توسعه راههایی برای جلوگیری از افزایش اختلاف و نتایج مخرب آن فعالیتهایی را انجام دادند. بعد از جنگ جهانی دوم تلاشهای پژوهشی در این زمینه بسیار زیاد شد. پیشرفت روزنامه حل اختلاف در سال ۱۹۵۷، فقط فعالیتی برای شروع بود. در سال ۱۹۵۹، مرکز پژوهش حل اختلاف در دانشگاه میشیگان به عنوان موسسه‌ای به منظور بکارگیری دانشمندان برای انجام پژوهش‌هایی در ارتباط با حل اختلاف تاسیس شد. به علت محدودیتهای موسسه‌ای که شامل رقابت بین اداره‌ها برای منابع بود، آموزش قوی برنامه حل اختلاف جامه عمل به خود نپوشید، و حتی امروزه نیز در بسیاری از فضاهای دانشگاهی تلاشهای بسیاری به منظور ایجاد یک هویت حرفه‌ای صورت می‌گیرد.

از جمله شخصیتهایی که استراتژیهای کمک کننده به توسعه نظری و عملی حل اختلاف داشتند، می‌توان از مهاتما گاندی، کنیث بالدینگ، جان گالتنگ و جان بارتن اسم برد. مهاتما گاندی رهبر مبارزه بدون خشونت هندوستان برای استقلال از بریتانیا بود و در نظر بسیاری به عنوان پدر نهضت بدون خشونت مدرن شناخته شده است. شیوه برآمده از حوزه عمل بدون خشونت او در جهت دستیابی به خواسته‌هایش بسیار موفقیت آمیز بود. یکی از کمک‌های اولیه کنیث بالدینگ به تاریخچه آشتی، بهبود درک آشتی به عنوان فرایندی مثبت، و نه فقط نبود جنگ بود. جان گالتنگ از طرفداران تصور مثبت آشتی، پیشنهاد کرد که آشتی باید به عنوان حق خود تصمیم‌گیری، هویت، امنیت و عدالت تصور شود. گالتنگ موسسه‌ی بین‌المللی مطالعه